



دولت آمریکا با حيله گري شاخص هاي اقتصادي را غيرواقعي نشان مي دهد

در این گزارش که به قلم "کریس هگ" و با عنوان "مقاومت کن یا برده شو" در پایگاه اینترنتی "تروث دیگ" و همچنین پایگاه اینترنتی زایوپدیا منتشر شده، آمده است: آمریکا در حال تبدیل شدن به کشوری جهان سومی است....

به گزارش فارس، در این گزارش که به قلم "کریس هگ" و با عنوان "مقاومت کن یا برده شو" در پایگاه اینترنتی "تروث دیگ" و همچنین پایگاه اینترنتی زایوپدیا منتشر شده، آمده است: آمریکا در حال تبدیل شدن به کشوری جهان سومی است. نخبگان ما در حال غارت وحشیانه خزانه عمومی هستند و اگر آنها را فوراً متوقف نکنیم تریلیون ها قرض برایمان ایجاد خواهد شد که هیچگاه نمی توانیم بازپرداخت کنیم.

نویسنده پیش بینی می کند: علاوه بر این فجایع انسانی بی شماری به سراغمان خواهند آمد که نخواهیم توانست از آنها جان سالم به در ببریم. دموکراسی نجیفاً با یک دولت پلیسی خشن جایگزین خواهد شد. نخبگان به درون جوامع آهین نقل مکان خواهند کرد و در آنجا امنیت، کالا و خدمات در اختیارشان قرار خواهد گرفت، امکاناتی که بقیه ما به آنها دسترسی نخواهیم داشت. میلیون ها انسان که بشدت کنترل می شوند در بیرون از این جوامع و در فقر ابدی زندگی خواهند کرد. اینها نتایج کاپیتالیسم بی حد و مرز شرکتی است.

نویسنده با اشاره به برنامه های دولت اوباما برای اجرای طرح هایی مانند محرک های اقتصادی و نجات مالی، نوشت: برنامه های تشویقی و نجات اقتصادی برای نجات ما تدوین نشده اند بلکه هدف آنها نجات شرکت های سرمایه داری است. ما می توانیم در برابر این امر مقاومت کنیم، یعنی به خیابان ها بیاییم، سیستم را مختل کنیم، تظاهرات نماییم یا این که تبدیل به برده شویم.

بنا بر این گزارش، طی دهه های متوالی شاهد سقوط اقتصادی بوده ایم. فیلسوف سیاسی کانادایی در کتاب خود با عنوان "حرامزاده های ولتر: دیکتاتوری منطق در غرب" چاپ 1992 به تشریح این سقوط پرداخت. دیوید کی جانسون در کتابی با عنوان "نهار مجانی: چگونه ثروتمندان آمریکایی به هزینه دولت خود را ثروتمند تر می سازند (و صورت حساب را برای شما می فرستند)."، تباهی و فساد سرمایه داری آمریکایی را آشکار تبیین نمود. دیوید سی. کورن نیز در کتاب "زمانی که شرکت ها بر جهان حکومت می کنند" و "برنامه ای برای اقتصاد نوین" به قانون گریزی و خلاف کاری های شرکت های سرمایه داری می پردازد.

در این گزارش با انتقاد از رویکرد مراکز علمی آمریکا درباره عملکرد اقتصادی این کشور تصریح شده است: اما دانشگاه ها و رسانه های عمومی، که درب ورودی شان از مجرای قدرت می گذرد و شدیداً باور دارند که گسترش سرمایه داری نیروی توقف ناپذیر طبیعت است، هیچگاه نتوانسته اند سؤالات درستی مطرح نمایند یا به آنهاپی که اینگونه مسائل را مطرح می کنند، ببینند.

این مقاله می افزاید: نخبگان ما ناکارآمدی و ناشایستگی خود را پشت دیواری از تکبر، اصطلاحات تخصصی و تئوری های اقتصادی مبهم پنهان کرده اند.

این مقاله با اشاره به این که دروغ هایی که برای استتار سقوط اقتصادی بکار رفتند از ارتش شروع شد، تصریح کرد: در دولت ریگان تعداد نیروهای زمینی، هوایی، دریایی و پرسنلی که نیروی کار غیر نظامی بودند، بالغ بر 1.5 میلیون نفر شد و این امر باعث گردید که نرخ بیکاری به طرز معجزه آسایی 2 درصد کاهش یابد. دولت کلینتون تصمیم گرفت که من بعد آنهاپی را که دنبال کار نمی گردند و یا آنهاپی را که دنبال کار تمام وقت می گردند اما فقط کار نیمه وقت پیدا می کنند جزو بیکاران به حساب نیاورد. این امر منجر شد که حدود 5 میلیون نفر بیکار از آمار دولتی بیکاران کاسته شود.

نویسنده تأکید کرد: اگر در روز بیست و یک ساعت کار کنید - بیشتر کارگران با حقوق پایین در فروشگاه های "وال مارت" بطور متوسط بیست و هشت ساعت در هفته کار می کنند - در اینصورت شاغل به حساب می آید حتی اگر حقوق دریافتی تان زیر خط فقر باشد. اگر آنهاپی را که دیگر دنبال کار نیستند و یا افرادی را که شغل پاره وقت دارند را نیز جزو بیکاران قلمداد کنیم در این صورت نرخ واقعی بیکاران نه 8.5 درصد بلکه 15 درصد خواهد بود. هم اکنون یک ششم جمعیت کشور بیکار است و نرخ بیکاری بیشتر از ماه های پس از بحران سال 1926 است.

در ادامه این مقاله با اشاره به فریبکاری دولت مردان آمریکا در دیگر حوزه های اقتصادی آمده است: "شاخص قیمت مصرف کننده" که دولت آمریکا برای محاسبه نرخ تورم استفاده می کند کاملاً بی معنی است. دولت برای اینکه نرخ تورم را پایین نشان دهد اقلامی را که قبلاً برای محاسبه از آنها استفاده می شد با کلاهپی که قیمتشان زیاد تغییر نمی کند، جایگزین ساخته است.

در این گزارش با انتقاد از این محاسبات دولتی تصریح شده است: این تردستی باعث شده نرخ افزایش هزینه زندگی با توجه به "شاخص های قیمت مصرف کننده" پایین باقی بماند.

نویسنده در ادامه مقاله خود به مواردی اشاره می کند که در دیگر رسانه ها درباره افزایش هزینه های مردم در آمریکا گزارش داده اند و می نویسد: دانلیوی، خبرنگار بخش مصرف کنندگان روزنامه نیویورک تا به امروز نوشته بود که هم اکنون خواربار وی 587 دلار در ماه هزینه بر می دارد در حالی که سال گذشته این رقم بالغ بر 400 دلار در ماه بود. این رقم یعنی چیزی بالغ بر 40 درصد افزایش قیمت ها. "جان ویلیامز" اقتصاددان کالیفرنایی جان ویلیامز که مؤسسه ای با نام "آمار در سایه" را هدایت می کند معتقد است که اگر واشنگتن از همان "شاخص های قیمت مصرف کننده" دهه 1970 استفاده کند نرخ تورم بالغ بر 10 درصد خواهد شد.

نویسنده در ادامه انتقاد خود از خدمات دولت به شرکت های اقتصادی بزرگ، می افزاید: دولت شرکتی و طبقه روشنفکر و سیاسی که در خدمت این دولت شرکتی هستند، سیستم سیاسی و مالی را بر اساس توهامات و تخیلات بنا نهاده اند. این شرکت ها وارد نوعی از وام دهی هرمی شده اند که باعث بوجود آمدن دارایی های مصنوعی شده است. این دارایی های مصنوعی نیز به نوبه خود باعث افزایش اعطای وام های بانکی گشته اند.

این گزارش می‌افزاید: نخبگان میلیون‌ها دلار پاداش، حق کمیسیون و حقوق از این ثروت مصنوعی برداشت نموده‌اند. سیاستمداران که بجای پرداختن به منافع شهروندان به فکر تأمین منافع شرکت‌ها هستند، زیر باران کمک‌های نقدی برای تبلیغات انتخاباتی‌شان قرار می‌گیرند و بعد از ترک کار دولتی هم شغل‌هایی لوکس بدست می‌آورند.

در این گزارش درباره واکنش نهادهای علمی با این روند، آمده است: دانشگاه‌ها که می‌دانند تقابل با شرکت‌گرایی (کورپوراتیسم) اصلاً به نفعشان نیست، تمام صدهای انتقادی را خاموش می‌کنند و برای بدست آوردن کمک‌های مالی شرکت‌ها و بورسیه‌ها به التماس می‌افتند. وام‌ها و کارت‌های اعتباری فریبنده اسراف و زیاده‌روی را در جامعه مصرف‌کننده پدید آورده و کاهش دست‌مزدها و فقدان شغل‌های تولیدی را پنهان نگه داشته‌اند.

نویسنده در انتقاد از طرح محرک اقتصادی اوپاما تأکید کرد: دولت اوپاما بجای اینکه به فکر یک طرح نو و اصلاحی باشد می‌خواهد که باز هم این جناب را باد کند. تریلیون‌ها دلار کمک‌های دولتی که صرف نجات این شرکت‌های فاسد می‌شود می‌توانست اقتصاد ما را نجات دهد. ما می‌توانستیم میلیون‌ها آمریکایی را از فقر نجات دهیم.

بنا بر این گزارش، همانگونه که "رالف نادر" یکی از فعالین حقوق مصرف‌کنندگان گفته است: دولت می‌توانست 10 بانک جدید با 35 میلیارد دلار سرمایه برای هرکدام تأسیس کند و بازارهای اعتباری با نسبت ده به یک نسبت بدهی به دارایی خالص بازگشایی نماید. مبالغ هنگفت و نجومی بدون نظارت و کنترل کافی در دستان این شرکت‌های کثیف قرار می‌گیرد. این شرکت‌ها نیز این پول‌ها را صرف کاری خواهند کرد که تاکنون انجام داده اند یعنی ثروتمندتر کردن خودشان با هزینه‌های ما.

نویسنده در ادامه به مصاحبه خود با رالف نادر اشاره کرده و می‌نویسد: نادر در پاسخ به سوالاتی در مورد بسته‌های کمکی به شرکت‌ها گفت "هم اکنون شاهد بزرگترین اسراف، قانون شکنی و سوء استفاده در تاریخ آمریکا هستیم. این برنامه‌ها نه تنها درست هدایت نمی‌شوند و نه تنها بجای مردمی که قربانی این بحران هستند در دستان مجرمین قرار می‌گیرند؛ بلکه حتی سیستم توزیع این بسته‌های کمکی نیز ناعادلانه و ناکارآمد است. دیوان عدالت بسیار مشغول است. کمبود ده‌ها

دادستان، بازپرس، ممیزی و وکیل باعث شده این دیوان نتواند با جرم‌هایی که این شرکت‌ها قبل از سپتامبر و آغاز کمک‌های مالی مرتکب شده‌اند، برخورد نماید." "نادر ادامه داد: "حال دیوان اصلاً نمی‌تواند با سوء استفاده مداوم این شرکت‌ها از این پول‌ها برخورد نماید. شما خود می‌توانید این سوء استفاده‌ها را ببینید، برای مثال شرکت‌ها این پول‌ها را وام نداده‌اند. تا جایی که شرکت‌ها می‌دانند به زندان نخواهند رفت. در روزنامه‌ها نیز هم گزارش‌هایی مبنی بر زندانی شدن همکارانشان وجود ندارد بنابراین با خیال آسوده به کار خود ادامه می‌دهند. اگر آنها کار خود را ترک کنند با چتر نجاتی طلائی ترک خواهند کرد. حتی مدیر عامل ارشد

جنرال موتورز ریک واگنر هم 21 میلیون دلار گرفته است." "بنا بر این گزارش، تعداد انگشت‌شماری از مدیران سابق معترض بوده‌اند که بسته‌های نجات بیهوده می‌باشند. "مارسی گرین برگ"، رئیس سابق شرکت ای.آی.جی. آمریکا، به کمیته اصلاحات دولت گفت که تلاش‌هایشان برای سرپا نگه داشتن شرکت با 170 میلیارد دلار به شکست انجامیده است. وی گفت که شرکت باید از نو ساماندهی شود. وی گفت که ای.آی.جی. بهتر است بجای طلب کمک دولت، مشمول فصل 11 حمایت از ورشکستگان شود.

در این گزارش آمده است که نادر در دفتر خود در واشنگتن گفت: "اینجا علائمی هستند که نشان از اضمحلال و تباهی فزاینده می‌دهند. یکچنین پول‌هایی را خرج کردید بدون اینکه بدانید متمر ثمر خواهند بود یا نه. کاپیتالیسم شرکتی ورشکسته در حال ورشکسته ساختن سوسیالیسمی است که می‌خواهد این شرکت‌ها را نجات دهد. اینجا پایان کار است. اگر دیگر سوسیالیسمی نباشد که آنها را نجات دهد به درون فنودالیسم خواهیم لغزید. فنودالیسمی جدید با پلیس خصوصی و جوامع حصار کشیده و برده‌هایی با نام‌هایی قرن بیستمی.

وی ادامه می‌دهد: با توجه به تعهدات 12 تریلیون دلاری کشور دیگر نمی‌توانیم 3 یا 4 تریلیون دیگر برای سامان دادن به این مسائل هزینه نماییم. همین چند ماه پیش بود که مخارج مان به 9 تریلیون دلار رسید. تا مدتی پیش یکچنین اسراف‌هایی توسط دولت غیر قابل باور بود. ذخایر فدرال با محدودیت 800 میلیارد دلاری روبرو شدند. نویسنده این مقاله تأکید می‌کند: تشویق‌های اقتصادی و برنامه‌های نجات دیگر نمی‌توانند سرمایه‌داری کازینویی را به ما برگردانند. بحران هنوز پابرجاست و برنامه‌های نجات هم هیچ نشانی از کارآمدی از خود بروز نمی‌دهند و اینها باعث شده خشم و ناامیدی اربابان سرمایه‌دار ما نیز افزایش یابد. مخارج قشر کارگر و متوسط غیر قابل تحمل شده است.

بر اساس گزارش صندوق ذخایر فدرال در ماه مارس، خانه‌وارها در سه ماهه آخر سال 2008، 5.1 تریلیون و یا نه درصد ثروت خود را از دست دادند. این رقم بیشترین ضرری بود که در سابق 57 ساله اخیر بانک مرکزی ثبت شده است. سقوط ثروت خانه‌وارها در کل سال بالغ بر 11.1 تریلیون و یا 18 درصد بود. این ارقام شامل کاهش شدید سرمایه‌گذاری در بازار بورس نمی‌باشد که احتمالاً باعث شده تریلیون‌ها دلار از ثروت خالص ملی از دست برود.

در انتهای این مقاله آمده است: در طی ده سال گذشته با نرخ 2 میلیارد دلار در روز در حال قرض گرفتن بوده ایم و این کار باید زمانی متوقف می‌شد. اگر چین، کشورهای ثروتمند نفتی و دیگر سرمایه‌گذارهای بین‌المللی از خرید اوراق بهادار خزانه صرف نظر کنند، دلار تبدیل به کاغذ پاره خواهد شد. تورم با سرعت نجومی بالا خواهد رفت. آمریکا نیز تبدیل به آلمان دوران "جمهوری وایمار" خواهد شد.

نویسنده تأکید کرد: مردمی که آمادگی ذهنی و عقلانی برای فروپاشی ندارند، مردمی که مورد خیانت قرار گرفته و بسیار عصبانی هستند ناگهان واکنشی تند و شدید از خود نشان خواهند داد. دموکرات‌ها و بسیاری از جمهوری خواهان کنار گذارده خواهند شد. گروهی دسیسه‌دور متشکل از نخاله‌های فاشیست‌های بدوی، از قدرت طلبان ریاکار مسیحی گرفته تا احمق‌هایی مثل سارا پیلین و با دادن قول‌هایی در مورد انتقام و اصلاحات اخلاقی برای خود طرفدار جمع خواهند کرد. نخبگان با مدارک مدیریتی‌شان از هاروارد و سخنان گرانبهایشان به درون منطقه‌های اختصاصی، امن و راحت خود خواهند خزید و ما نا امید و تبعید شده در بیرون از دروازه‌های این جوامع خواهیم ماند.